

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

بهار؛ درس آموز تحول و دگرگونی

رویش گیاهان، رویش رستاخیز انسان ها

بهار، نماد رستاخیز انسانها

دعای تحویل سال

دنیای هستی، آیینه تمام نمای قدرت لایزال پروردگار است و در فصل بهار، جمال و جلال پرشکوه او بهتر از هر زمان دیگری، به تماشا گذاشته می شود. می توان از این فصل زیبا نگاهی به جهان هستی و فلسفه آفرینش زد **وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ** در آیه ۶۵ نحل.

فرستاد بارانی از آسمان که بخشد زمین را پس از مرگ جان

در این کار بس آیه ها هست و پند بر آنان که گفتار حق بشنوند

یا حق فرستاد آب را ز سما کرد از آن ارض مرده را احیا

به یقین آیتی است در آنها از برای جماعتی شنوا

مشاهده دگرگونی شگرف طبیعت، درسی بزرگ و سودمند برای ما انسانهاست تا بهار و خزان عمر خویش را به یاد آوریم. به خویشتن بیندیشیم که در بند غفلت گرفتار شده. به تعبیر علی علیه السلام: کسی که امروزش مانند دیروز باشد، به راستی زیانکار است.

- طبیعت، آفریده خدا و جلوه رحمت بی پایان اوست

بهانه ای نیکو برای مردم است که به شکرانه حضور بهار، جشنی را برپا کنند. این جشن به مفهوم ستایش خداوند و قدردانی از نعمت بهار است. جشن نوروز در عین حال یکی از آیین های معنادار بشری است، زیرا این آیین با مهرورزی و نوع دوستی درمی آمیزد و فضای شهر و جامعه را از عطر همدلی سرشار می سازد. در واقع، جشن نوروز در ابتدای فصل بهار، یکی از برجسته ترین وجوه زندگی بشری را مورد تأکید قرار می دهد و آن نو شدن، صفای جسم و جان و تکاپو و حرکت است لذا در نوروز باید به حقیقت معنوی و کمال انسان توجه کرد. نوروز با همراهی بهار، حیات تازه ای را نوید می دهد و لزوم تحول و جنبش را به انسان نهیب می زند. این تحول از طریق تلاش، کوشش و معنویت حاصل می شود.

نوروز در آغاز فصل بهار فصل تحول و دگرگونی

هرچند تحول در طبیعت امری اجباری است، اما ما با تعمق در ماهیت این تحول، می‌توانیم همراه با نو شدن طبیعت، دگرگونی حقیقی را در خود ایجاد کنیم باید قلب خود را به شکوفه های ایمان، محبت و انسانیت بیاراییم و با احسان و کمک به دیگران، عطر خوش نועدوستی را بیفشانیم

نومیدی و سستی را از روح و جان خود بزداییم و با روحیه ای پر از نشاط، زندگی تازه ای را آغاز کنیم در این رابطه، رهبر معظم انقلاب اسلامی میفرماید: باید توجه داشته باشیم که خداوند، دگرگونی هر پدیده ای در عالم را، به دست انسان قرار داده و همه تحول ها با اراده انسان انجام می‌شود

انسان اگر بخواهد در وضعیت جامعه، کشور و زندگی خود، تحول ایجاد کند، باید این تحول را از خود آغاز کند تحول اخلاقی، تحول درونی، رفتن به سوی صفا و انسانیت، عبودیت پروردگار و تسلیم در مقابل اراده آفریننده هستی، که این تحول، سعادت انسانها را تضمین می‌کند.

بهار یک نشانه ست نشانه ی زنده شدن

فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحِي الْمَوْتِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ روم ۵۰

کنون دیده ات باز فرما ببین ز آیات رحمت گلی را بچین

چگونه زمین را ز بعد از خزان کند زنده و باد هستی وزان

همان کردگاری که بعد از ممات دگرباره بخشد بر آدم حیات

که بر هرچه خواهد خدای جهان قدیرست و حکمش بگردد روان

در این لحظات میخواهم اعتراف کنم خدایا دل من مرده گناهان دل مرا تار کرده اند، ای خدایی که زمین مرده را دوباره زنده میکنی دل مرده ی مرا هم دوباره زنده

كُنْ... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِيْرَآگَمَا حَمَلْتَهُ عَلَی الْذَیْنِ
 مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لِ طَآقَةِ لَنَا بِهِ وَ اَعْفُ عَنَّا وَ اِعْفِرْ لَنَا وَ اِرْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلَانَا
 فَانصُرْنَا عَلَی الْكٰفِرِیْنَ ﴿٢٨٦﴾ بقره

خدایا تو بر ما عقوبت مگیر بر آنچه فراموش شد از ضمیر

عقوبت نرانی به ما ای خدا اگرچه نمودیم کار خطا

تو بر دوش ما ای خدای جهان منہ بار تکلیف بیش از توان

چنانکه به پیشینیان بلاد چنین بار سنگین نهادی زیاد

هرآنچه که ما را برآن نیست تاب مخواه و میفزای بار عذاب

ببخش و بیامرز بار گناه به رحمت به ما کن نظر ای اله

تویی یاور و یار و مولای ما به نابودی کفر یاری نما

فصل بهار، فصل نو شدن است

نوروز نیز، حکایت نو شدن و نوخاستن است و مجالی برای بیدار شدن و کسب معرفت، چنانکه رسول گرامی فرموده: آن کس که با تغییر و تحول دنیا از وضعی به وضع دیگر، آگاه نشود (از خواب بیدار نشود)، از غافل ترین مردم است. نوروز، خواهشی برای تغییر و سبز شدن است. هنگام تحویل سال، دست به دعا برمی داریم و از خداوند میخواهیم که عالی ترین شکل تحول را در ما ایجاد کند. حتی اگر وضعیت نیکویی داشته باشیم، نیکوتر از آن را طلب می کنیم.

یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر اللیل و النهار، یا محول الحول و الاحوال، حوّل
 حالنا الی احسن الحال (ای دگرگون کننده قلبها و دیده ها، ای تدبیر کننده شب و روز،
 ای متحول کننده حال و احوال، حال ما را به بهترین حالت، دگرگون ساز) بهار، آیتی

از حشر است و عبرتی برای دل‌بستگان خزان . بهار، برگی از صحیفه بهشت است و شاخه ای از طوبای بهشتیان

گفتگوی بهارانه داشته باشیم جبران اشتباهات با شجاعت عذرخواهی

یکی از اشکالاتی که ما داریم این است که گفتگو کردن از نوع بهارانه برایمان سخت است. این روزها آن قدر اتاق آبی دلمان غبار گرفته که می‌ترسیم از بابت سیاهی هایش از بهترینها در اطرافمان عذرخواهی کنیم

کمیت و کیفیت پاکیزگی خانه دل در استقبال از نوروز دل‌تکانی با گردگیری کدورت‌ها خانه‌تکانی شب‌عید اگر چه سختیهای خودش را دارد، اما از زاویه دیگری فرصت مناسبی خواهد بود که تمرین همدلی و همکاری داشته باشیم. اگر اشتباهاتی داشته‌اید که به کدورتها ختم شده هر چه زودتر با پاک‌کن بهار پاکش کنید و با جملات عذرخواهی طرحی نو دراندازید و نگذارید کینه‌ها دردرساز شوند

هر کدبانوی می‌داند که برخی از وسایل و اثاث خانه را باید بشوید، یا بتکاند، یا گرد و غبار رویی کند یا برخی دیگر را اصلاح و تعمیر کند و یا برخی را به عنوان آشغال از خانه بیرون ریزد. پس باید دل را به برخی از خصوصیات و فضایل اخلاقی بیاراید و برخی از زشتی‌ها و رذایل را از خانه دل بیرون راند و برخی از خصلت‌ها را اصلاح کند و برخی را به آب محبت و مودت آبیاری کند

ضرورت تفکر در آیات الهی

دین اسلام همان گونه که آیین‌ها و فرهنگ‌های موجود در سرزمین عربستان را با تغییرات جزئی و پالایش، پذیرفته و یا حتی گاه همه آنها را به سبب درستی و سازگاری با حق و حقانیت تأیید و امضا کرده، بسیاری از آیین‌های ایرانی را پذیرفته و یا با پالایش و تغییراتی اندک آن را تأیید و امضا نموده است. حضور در طبیعت و احترام

و تقدیس آن نه تنها مورد تأیید است بلکه آموزه های اسلامی و قرآنی، حضور در طبیعت و آشتی با آن و بلکه نگرش عبادی داشتن به آن را پذیرفته و تأیید کرده است. اصولاً از نظر اسلام یکی از دو راه شناخت خداوند، به طبیعت ختم می شود که از آن به آیات آفاقی در برابر آیات انفسی یاد می شود **سُنُّرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَ فِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اَوْلَمَ يَكْفِ بِرَبِّكَ اَنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ** فصلت ۵۳

در آفاق و اندر نفوس بلاد	کند فاش آیات خود رب داد
که بر هرکسی می شود آشکار	که همواره برحق بود کردگار
مگر ای پیمبر خدای وجود	که شاهد بود بر هرآنچه که بود
کفایت نباشد به برهان دین ؟	که تنهاست او غایة العالمین

در نگاه قرآن، همه هستی و ماسوی الله، آیات و نشانه های خداوند یکتا و یگانه ای است که آفریدگار، پروردگار و معبود همگان است بنابراین هرچیزی در درون آدمی از بینایی و شنوایی گرفته تا جریان گردش خون و نظام پیچیده عصبی و تولیدمثل تا روح و روان آدمی، علامت و نشانه های ظاهر و روشنی است که انسان از راه آن می تواند به شناخت خداوند و خود دست یابد.

بهار، درس خداشناسی و معاد و تکامل است

قرآن کریم، فصل سبز بهار را، نمودی روشن از زندگی دوباره در روز واپسین معرفی میکند. **وَ اللّٰهُ الَّذِي اَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثْبِرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ اِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَحْيَيْنَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذٰلِكَ النُّشُوْرُ فاطر آیه ۹**

خدا بادها را فرستد ز پی	که تا ابرها راه سازند طی
سپس ابر را سوی مرده دیار	برانیم و گوئیم بر وی ببار
زمینهای مرده شود زنده باز	در این است بنهفته رمزی و راز

که خود مردگان هم به روز نشور همین گونه آیند بیرون ز گور

رستاخیز نیز همین گونه است خداوند، بعثت در روز قیامت و زنده شدن مردگان را، به احیای زمین تشبیه کرده تا بفهماند همان گونه که زمین، هر سال یک دوره زندگی را شروع می کند و در آخر، دوباره می میرد، انسانها هم همین گونه اند. وقتی دوران زندگی شان در زمین به سر رسید، دوباره در روز رستاخیز، پس از آنکه زنده شدند، روی زمین پخش میشوند. از همین رو، سفارش شده که با دیدن بهار، معاد و رستاخیز را به یاد آورید. اگر انسانها از این طبیعت زیبا درس بیاموزند، در این صورت است که سرآغاز این دگرگونی را می توان روز برتر و نوروز نامید و در آن به جشن و سرور پرداخت.

آثار و پیامدهای تفکر و تدبر در آیات الهی است

انسان باید به آیات خدا با شرایطی چون ایمان و باور قلبی (بقره ۲۴۸ و آل عمران ۹۴) بصیرت و تیزبینی و دقت (آل عمران ۳۱ و قصص ۲۷) تعقل و خردورزی (بقره ۱۶۴) داشتن روحیه تسلیم و حق پذیری (نمل ۱۸ و روم ۳۵) حق شنوی (یونس ۷۶) تقوا (یونس ۶) زیرکی (حجر ۵۷) صبر و شکیبایی (ابراهیم ۵ لقمان ۱۳) علم و آگاهی (انعام ۷۹) عبرت آموزی و درس گرفتن (انعام ۱۲۶ و نحل ۳۱) فهم درست (انعام ۸۹) یقین و به دور از تردید و شک (بقره ۱۱۸ جاثیه ۴) بنگرد. در این صورت است که می تواند بیشترین استفاده را از آیات الهی به ویژه آیات آفاقی داشته باشد

آدمی به توحید واقعی و حقیقی باز می گردد (اعراف ۱۷۴ احقاف ۷۲) به یقین لقای الهی دست پیدا میکند (رعد ۲) و تقوا پیشگی را در خود تقویت مینماید (بقره ۱۸۷) ژرف اندیشی و کشف مجهولات (انعام ۵۶)، دست یابی به مقام شکر (مائده ۹۸ اعراف ۵۸)، معاد شناسی (اعراف ۷۵ و ۸۵) و هدایت یابی به حق و حقانیت (آل عمران ۱۰۳)

بنابر این برماست که به دور از تکبر و استکبار ورزی و نادانی به سوی طبیعت بازگردیم و در فرصت ایام نوروز، به اندیشه و تفکر در طبیعت پردازیم و به شناختی درست و کامل از خود و خدا و جهان دست یافته و در مسیر کمالی و صراط مستقیم توحید گام برداریم و فرصت کمال یابی مطلق را برای خود غنیمت شماریم و گام در راه لقای الهی.

- از کجا آمده ام، به کجا می روم و آمدنم بهر چه بود از آموزه های قرآنی برمی آید که خداوند هستی را به گونه ای آفریده که هرکسی با کوچک ترین مراجعه به درون خود و یا نگاهی به بیرون از خود یعنی آیات انفسی و آفاقی بتواند به آسانی و سادگی پاسخ های شایسته ای برای پرسش های خود بیابد از جمله پاسخ های آماده برای انسان، تحولات و تغییراتی است که در طبیعت رخ می دهد و فصول را پدید می آورد. نگاهی به این آیات آفاقی و نشانه های بیرونی می تواند پاسخ های مناسب را برای آدمی داشته باشد؛ چرا که در این آیات فصول طبیعت، فلسفه زندگی جلوه گری می کند و زندگی و مرگ و حیات مجدد را به نمایش می گذارد از این رو آیات قرآنی سرشار از سفارش هایی است که به توجه یابی و عدم غفلت در این آیات تاکید می کند

طبیعت، عبرت آموز خردمندان

انسان وقتی به خود و پیرامون می نگرد، از این همه تغییرات و تحولات درونی و بیرونی شگفت زده می شود. او از همان آغاز، سلامتی را همراه با درد و رنج بیماری تجربه میکند. گاه در اوج طراوت و شادابی است و گاه دیگر زردرو، رنجور و بیمار در گوشه ای می نالد. **كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مُمْصِرًا ثُمَّ يَكُوْنُ حُطَّامًا**

که این کار دنیاست اندر مثل	حدید ۲۰	چو باران که بارد بوقت و محل
گیاهی برآرد خود از خاک سر		که در حیرت آرد همی برزگر
بزودی ببینی بخشکد گیاه		بپوسد شود زرد و گردد تباه

ما هر روز با گل و گیاهانی مواجه هستیم که می روید، رنگ های گوناگون چشم نوازش آدمی را مسحور زیبایی خود می کند و به همان سرعت که روپیده و جلوه گری کرده، زرد و پژمرده می شود و بادی آن را از جا بر می کند و در سوزش تند آفتاب و باد و باران، خشک و بی جان می شود و نیست و نابود می گردد

ایام تدبر در آیات آفاقی خداوند در ۶۲ اعراف و آیه ۱ نور، در بیان حکمت و فلسفه ارایه آیه های الهی به پندگیری و یادکردن حق از طریق آن اشاره می کند **سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ** نور ۱

فرستاد این سوره را کردگار
ببندید احکام آن را به کار
در آنست آیات روشن بسی
چو خواهد که خود پند گیرد کسی

أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

رساندم همانا پیام خدا
بسی پند دادم به راه سزا
زوحی الهی بدانم بسی
که آگاه نبود شما را کسی

و در آیه ۷۳ بقره تعقل در آیات خدا و راهیابی به خداشناسی را دلیل و فلسفه دیگری بر ارایه آن می شمارد. **فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** ﴿٧٣﴾

بگفتیم از اعضاء زرین بقر
که آن را بکشته، بریدید سر
بمالید بر جان آن آدمی
که او را بکشتید در يك دمی
ببینید با چشم خود سر و راز
خدا چون کند مرده را زنده باز
بود آنکه در آن تعقل کنید
به فردای عقبی تأمل کنید

اصولاً از نظر اسلام یکی از دو راه شناخت خداوند، به طبیعت ختم می شود که از آن به آیات آفاقی در برابر آیات انفسی یاد می شود. در نگاه قرآن، همه هستی و ماسوی

الله، آیات و نشانه های خدا یکتا و یگانه ای که آفریدگار، پروردگار و معبود همگان است. در حقیقت بیان آیات خداوند برای راهیابی انسان به حقیقت سُرِّهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْلَمَ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

در آفاق و اندر نفوس بلاد **فصلت ۵۳** کند فاش آیات خود رب داد

که بر هرکسی می شود آشکار که همواره برحق بود کردگار

مگر ای پیمبر خدای وجود که شاهد بود بر هرآنچه که بود

کفایت نباشد به برهان دین ؟ که تنهاست او غایة العالمین

و شناخت و درک درست حق و حقانیت الهی أَنْظِرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ

بین تا که آیات خود را چسان **انعام ۶۵** به چندین روش می نمایم بیان

بود آنکه مردم ز آیات چند نیوشند چیزی و گیرند پند

وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ نمل ۹۳

بگو تا ستایش خدا را سزاست پرستش فقط خاص یکتا خداست

بزودی دهد آیه هایش نشان بخواید گردید آگاه از آن

کجا هست غافل شما را ز کار محیط است بر کارتان کردگار

خداوند با ارایه آیات گوناگون از آیات آفاقی و انفسی گرفته تا آیات کتبی قرآن و آموزه

های وحیانی دیگر کتب آسمانی، بر آن است تا مردم را به سوی راه مستقیم رهنمون

سازد وَ أَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْسَىٰ . فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ (نازعات ۱۹ و ۲۰)

هدایت نمایم تو را بر خدا که خاشع بگردی برآن کبریا

چو موسی یکی حجت آشکار نمایاند بر امر پروردگار

انسان با حضور در طبیعت در ایام نوروز و فصل بهار و زمان رویش و رستاخیز دوباره

گیاهان و زندگی و تولید نسل جانوران می تواند به حقیقت معاد و رستاخیز آگاه شود

و دریابد که چگونه این حقیقت برای غیر انسان تکرار می شود و روزی انسان نیز این

گونه معاد و رستاخیز خویش را تجربه خواهد کرد (روم ۵۰ فصلت ۳۹) و (حج ۶۵) و
 وَمِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَقَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَ تَرَى
 الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ بِهِجٍ ﴿٥﴾

ز دنیا، گروهی جوان می روند	گروهی گرفتار پیری شوند
به پیری بگردند کودن ز هوش	نفهمند چیزی و گشته خموش
زمین را ببینی گهی خشک بر	نه در آن گیاهست نه برگ و بر
چو نازل شود ز آسمان آب پاک	طراوت ببخشد بدین تیره خاک
ز هر نوع آید گیاهی برون	همه سبز و خرم، همه گونه گون

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾

که آثار قدرت ز سوی جلیل	به برحق رب بگردد دلیل
کند زنده او بندگان را چو خواست	توانا به هر چیز یکتا خداست

بهار زمان رستاخیز زمینی

خداوند، فصل بهار را زمان رستاخیز زمین می داند و در آیات ۹ تا ۱۱ سوره ق و نَزَّلْنَا

مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَ حَبَّ الْحَصِيدِ ﴿٩﴾

چو یزدان گیتی ز نیلی سپهر	فرستاد آبی مبارک ز مهر
ز کشت حبوبات و حب الحصيد	چه بسیار رویاند و سازد پدید
و النَّخْلَ بِاسِقَاتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ ﴿١٠﴾	
بسی نخلهای ستبر و بلند	به لطفش برانگیخت الله چند
که چون میوه هایش رسید و گذشت	منظم فراروی هم چیده گشت

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مِّثْلًا كَذَٰلِكَ الْخُرُوجُ ﴿١١﴾

چنین رزقها را برای عباد	خداوند از بهر روزی نهاد
زمین را پس از نیستی خزان	به آب و به باران بدادیم جان

که داند مردم که بعد از هلاک

چنین سر برآرند بیرون ز خاک

انسان می بایست از این رستاخیز زمین عبرت گیرد و همانطور که تن و خانه از غبار ایام می زداید و به پلایش آرایش ها می پردازد، جان و روان خویش را نیز از غبار کینه ها و زشتی ها بپالاید و خود را به خوبی ها و زیبایی ها بیاراید

اهدافی در پس آفرینش هست

انسانی که به هدفمندی آفرینش از جمله آفرینش انسان ایمان داشته باشد، هرگز چیزی را در زندگی اش، بیهوده و لغو و لعب نمی شمارد **أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ** (مومنون ۱۱۸)

گمان می نمودید آیا شما

که بیهوده کردست خلقت خدا

و یا آنکه بر سوی پروردگار

نسازید رجعت به روز شمار

در حوزه شناختی بر آنست تا بفهمد که چه اهدافی در پس آفرینش هستی و انسان وجود دارد تا براساس این اهداف، زندگی خویش را تنظیم کند و در حوزه رفتاری نیز می کوشد تا به گونه ای عمل کند که مطابق با اهداف آفرینش باشد.

خداوند بر انسان منت نهاده و وحی و پیامبران را واسطه هدایت بشر قرار داده تا به این پرسشهای فلسفی پاسخ های کامل و تمامی بدهد **لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ** (آل عمران ۱۶۴)

خداوند بسیار منت گذاشت

که بر مؤمنانش رسولی گماشت

رسولی که از بین خودشان بخواست

که سازد هدایت به آیین راست

بخواند بر آنها کتاب اله

کند تزکیه قلبها از گناه

بیاموزد احکام شرع و کتاب

به حکمت نماید مسیر صواب

اگرچه که گمره بدید آشکار

از این بیشتر در همه روزگار

در حقیقت وحی، به کمک عقل آمده تا به مهمترین پرسش های فلسفی انسان از چرایی و چگونگی پاسخ دهد وحی در پاسخ به پرسش های فلسفی آدمی به اموری چون فلسفه آفرینش و هدفمندی آن پرداخته و مسیر انسان را از خاک تا عرش افلاک تبیین نموده.

رویش گیاهان، رویش رستاخیز انسان ها

برای بیشتر مردم درک رستاخیز و معاد سخت و دشوار است حتی بسیاری از فلاسفه و خردمندان و خردورزان در فهم و درک درست رستاخیز ناتوان شده و برای این ناتوانی و درماندگی خویش اقرار کردند. فیلسوفانی چون بوعلی سینا و حتی ملاصدرا در نهایت به این نکته توجه داده اند که کلام وحی چون می تواند در مقدمات حجت و قیاس قرار گیرد، براساس همان کلام و حیانی اقرار به معاد و چگونگی آن میکنند. در آیه ۴۵ کهف و ۲۰ حدید (بیان شد و اشعار آمد) به زندگی انسان و گیاه توجه می دهد و نسبت آن را با یکدیگر می سنجد. هدف از این کار این است که انسان متوجه شود همانند گیاه است، زیرا همانند گیاه دارای رشد و نمو می باشد. گیاه را می توان به عنوان نماد زندگی و حیات دانست. **وَ أَضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا** کهف ۴۵

که باران فروریخت از آسمان

به دنیای فانی مثل زن چنان

نباتات و اشجار زیبا چنین

از آن آب، روید روی زمین

بپیچید در هم سرانجام کار

سپس صبحگاهی بشد خشک و زار

به حسرت نشیند دل مست و شاد

دگرگون بگردند با دست باد

بود مقتدر بهر انجام کار

به هر چیز قادر بود کردگار

زندگی ناپایدار دنیا گیاهان از عنصر ناپایداری رنج می برند و بسیاری از گیاهان چند هفته یا چند ماهی بیش تر حیات ندارند و از سبزی و طراوات و زندگی بهره ای نمی برند. از نظر خداوند، زندگی دنیا نسبت به زندگی آخرت این گونه است. به این معنا

که حیات و زندگی دنیوی همانند گیاهان ناپایدار و در معرض زوال و نیستی است، لذا انسان‌ها می‌بایست در اصالت زندگی دنیوی شک و تردید روا دارند و به آن دل نبندند؛ زیرا دل‌بستگی به چیزی که ناپایدار است و به سرعت زوال می‌یابد، کار لغو و بیهوده‌ای است.

در آیه ۲۲ یونس با تشبیه زندگانی و حیات بشری در دنیا به حیات و زندگی گیاهان ناپایدار بر آن است تا زندگی دنیوی را از ارزش دل‌بستگی بیندازد و انسان خردورز را به هوشیاری و بیداری وا دارد.

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْن بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ يونس ۲۴

بود زندگانی دنیا چو آن که	آبی فرستیم از آسمان
گیاهان برویند روی زمین	نباتات رویند ز آن همچنین
تناول نمایند آن را تمام	ز انسان و حیوان و هرگونه دام
ببندد زمین زیور از خرمی	که مغرور گردد از آن آدمی
به ناگاه روزی رسد یا که شب	که فرمانی آید ز درگاه رب
که ناگاه آن خرمی سربه سر	درو گردد از آن نماند اثر
تو گویی که دیروز خاک بلاد	نبودست آباد و سرسبز و شاد
خداوند آیات خود کرده ذکر	برای کسانی که دارند فکر

در حقیقت مثل زندگی دنیا بسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم پس گیاه زمین از آنچه مردم و دامها می‌خورند با آن درآمیخت تا آنگاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید.

این زندگی کوتاه چه ارزشی دارد؟ شرط ارزش زندگی دنیا

وقتی انسان به حیات کوتاه گیاه می نگرد و زندگی خود را تشبیه به آن می کند، برایش این پرسش مطرح می شود که این زندگی کوتاه چه ارزشی دارد؟ اگر زندگی ما نیز همانند زندگی این گیاه کوتاه است، چرا باید تلاش کرد و برای چه منظور خود را به رنج افکند؟ زمانی این زندگی معنا پیدا می کند که جاودانگی پس از آن باشد

پس مرگ بهتر از این زندگی است که پایان آن چنین نزدیک است درحقیقت خداوند، یک بار از زندگی کوتاه و ناپایدار گیاه کمک می گیرد تا کم ارزشی و غیراصیل بودن زندگی دنیا را بفهماند و گاه دیگر از گیاه کمک می گیرد تا حقیقت رستاخیز و زندگی جاودان و ابدی را تبیین نماید **فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى** (روم: ۵۰) این جاست که با اشاره به رویش گیاهان پس از بارش باران اشاره میکند و میگوید شما در رستاخیز همانند گیاهان سر از خاک بر می دارید و دوباره زنده می شوید

زنده شدن گیاهان، نماد زنده شدن مردگان

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ۱۱ ق . اینها همه برای روزی بندگان من است و با آن آب، سرزمین مرده ای را زنده گردانیدیم، رستاخیز نیز چنین است. در آیات قرآن از جمله ۱۷ و ۱۸ نوح، به شباهت رستاخیز انسان ها و زنده شدن آنان پس از مرگ در قیامت، با رویش گیاهان در زمین پس از ریزش باران اشاره میکند و آن را شایسته تدبر و تذکر میداند .

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿۱۷﴾ و خدا [ست که] شما را [مانند] گیاهی از زمین رویانید . **ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ يُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿۱۸﴾** سپس شما را در آن بازمی گرداند و بیرون

می آورد بیرون آوردنی [عجیب] قیامت و رستاخیز انسان ها را اینگونه بشناسد و منکر آن نشوید.

مثال نباتات از بطن خاک	شما را برویاند یزدان پاک ۱۷
دگرباره با تیره خاک زمین	بگشتید هم صحبت و همنشین
دگرباره هم نیز بعد از هلاک	بیاید بیرون از آغوش خاک ۱۸

به این معنا که تفکر و مطالعه در رویش گیاهان بر اثر باران، برطرف کننده شک و تردید در مورد قیامت و رستاخیز و برانگیختن مردگان است (حج ۵ تا ۷) کسانیکه در آیات رویش گیاهان و بهار طبیعت تفکر و تدبر میکنند، میتوانند به آسانی به حقیقت توحید (نحل ۱۰ و ۱۱ حج ۶۲ و ۶۳) و قدرت خداوند (حج ۵ و ۶ فرقان ۴۸ و ۴۹) برسند و تقدیر الهی و نظام احسن خداوندی را درک کنند (حجر ۱۹ و ۲۱)

بهار، نماد رستاخیز انسانها

از نظر قرآن، رویش گیاهان و فصل بهار به عنوان فصل رویش ها و رستاخیزها، بیانگر قدرت، تدبیر، تقدیر، علم همه جانبه، ظرافت و لطافت و مانند آن است (حج ۶۳)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

نبینند آیا خدای جهان	بباراند باران خوش ز آسمان
که سرسبز سازد زمین را به ناز	چه بسیار باشد در آن رمز و راز
خدا راست علمی و لطفی تمام	خوش آن کس که از نعمتش یافت کام

گیاه و سبزه باید انسان را به یاد دو امر مهم و اساسی در زندگی بیندازد: نخست ناپایداری زندگی دنیا، دوم رستاخیز و معاد.

عبرت های رستاخیز طبیعت

ای مردم اگر در باره برانگیخته شدن در شکید پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم سپس از نطفه سپس از علقه آنگاه از مضغه دارای خلقت کامل و [احیانا] خلقت ناقص تا [قدرت خود را] بر شما روشن گردانیم و آنچه را اراده می‌کنیم تا مدتی معین در رحمها قرار می‌دهیم آنگاه شما را [به صورت] کودک برون می‌آوریم سپس [حیات شما را ادامه می‌دهیم] تا به حد رشدتان برسید

وَمِنْكُمْ مَّنْ يَتَّقِي وَ مِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ بَهِيجٌ ﴿٥﴾

بعضی شما [از جسمشان] گردد گرفته جانشان بعض شما تا حدّ فروتنی رسد [پیمانشان]

چندانکه بعد از درک [بسیاری امور این جهان] بی درک و ناآگه شود [دانسته ها بر او نهان]

بینی زمین را مرده و خشکیده و آنگاه ما باران فرستیم و زمین [گردد از آن حالت رها]

پس جنبد و یابد نمو، بس خرمی ها پرورد [از هر طرف از بهر موجودات نعمت آورد]

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (حج ۶) این قدرت
نمایبها بدان سبب است که خدا خود حق است و اوست که مردگان را زنده می کند
و هم اوست که بر هر چیزی تواناست.

که آثار قدرت ز سوی جلیل به برحقى رب بگردد دليل

کند زنده او بندگان را چو خواست توانا به هر چیز یکتا خداست

رستاخیزی شایسته تذکر دایمی خداست که بادها را می فرستد تا ابرها را برانگیزد
و چنان که خواهد در آسمان بگسترده و آن را پاره پاره کند و ببینی که باران از خلال
ابرها بیرون می آید و چون باران را به هر که خواهد از بندگانش برساند شادمان شوند..

اللَّهُ الَّذِي يُزِيلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى
 الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۴۸ وَإِنْ
 كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ۴۹ فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي
 الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۴۸ تا ۵۰ روم

خدا بادها را برانگیختی	به دامان ابرش بیامیختی
که تا ابرها را به حکم قضا	گاهی متصل سازد و گه جدا
پس آنگه ببینی که باران مهر	فروریزد از بطن نیلی سپهر
به هر جا که یزدان بخواهد نمود	بدان قوم و صحرا بیاید فرود
ببینی ز باران و از ابروباد بگردند	آن قوم مسرور و شاد ۴۸
اگرچه کزین بیشتر چون سحاب	بر آنان نباراند باران آب
به نومیدی و یأس می زیستند	ز بی آبی خویش بگریستند ۴۹
کنون دیده ات باز فرما ببین	ز آیات رحمت گلی را بچین
چگونه زمین را ز بعد از خزان	کند زنده و باد هستی وزان
همان کردگاری که بعد از ممات	دگر باره بخشد بر آدم حیات
که بر هر چه خواهد خدای جهان	قدیرست و حکمش بگردد روان ۵۰

پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می گرداند . تا مردم دریابند که همواره در برابر چشمان ایشان رستاخیز تحقق می یابد و نباید نه تنها در تحقق آن تردید کنند بلکه می بایست همواره هوشیار و بیدار باشند و از اصل هدف زندگی هرگز غافل نشوند . زیرا این غفلت موجب می شود تا انسان فرصت محدود و کوتاه و غیرقابل تکرار عمرش را به امور فرعی و دنیوی مشغول کند و از اصل بازماند و دچار زیان و خسران جبران ناشدنی شود.

غفلت از مرور ایام و گذشت زمان

اگر بنا باشد همیشه مباحث علمی را بدون اینکه در کنارش تنبّهی برای ما وجود داشته باشد مطرح کنیم فایده ای نداشته باشد از جمله این مسائل مسئله «مرور ایام» است. به تعبیر همگانی انسان گاهی از «گذشت زمان» غفلت می‌کند و این غفلت موجب می‌شود انسان از خواب غفلتی که او را فرا گرفته است بیدار نشود

در این عالم اموری که موجب اعتبار و پندپذیری می‌گردد زیاد است اما انسان از آن عبرت نمی‌گیرد!

علی (علیه السلام): **مَا أَكْثَرَ الْعِبْرَةَ وَأَقَلَّ الْإِعْتِبَارَ** یکی از موضوعاتی که انسان باید از آن عبرت بگیرد و متنّبّه و بیدار شود مسأله گذشت زمان است

هر روز در قیامت گواهی است بر اعمال انسان

امام صادق (علیه السلام): **مَا مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ** هیچ روزی نیست که بر فرزند آدم وارد می‌شود مگر اینکه آن روز به او می‌گوید من برای تو روزی نو و جدید هستم!

أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ من نوروزم! من برای تو روز نوپی هستم! **وَأَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ** و من، یعنی زمان، نسبت به تو گواهی دهنده هستم! **فَأَفْعَلُ فِي خَيْرٍ** در من عمل خیر انجام بده

وَاعْمَلْ فِي خَيْرٍ أَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهَا أَبَدًا من در روز قیامت نسبت به اعمال تو شهادت می‌دهم و تو بعد از این هیچ‌گاه مرا نخواهی دید مگر در روز قیامت. زمان‌ها می‌گذرد و همه آن‌ها برای انسان گواه هستند این‌طور نیست که ما فکر می‌کنیم!

اعمال و کردار ما در زمان محو نمی‌شود، بلکه همه آن‌ها ثبت می‌گردد

هر روز که می‌گذرد، تو کم می‌شوی!

حسین بن علی (علیه السلام): **يَابْنَ آدَمَ إِنَّمَا أَنْتَ أَيَّامٌ كُلَّمَا مَضَى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ** ای انسان! تو خودت روزگار هستی، هر روزی که می‌گذرد مقداری از تو کاسته می‌شود این طور نیست که تو ثابت باشی و روزگار بگذرد، تو ساکن باشی و او گذرا باشد هر ماه و سالی که می‌گذرد یک ماه و سال نیز از ما کاسته می‌شود یعنی هر روز و ماه و سالی که می‌گذرد، به همان میزان سرمایه و هستی انسان که عمر او است نیز خواهد گذشت با گذشت روز و ماه و سال هستی ما هم می‌گذرد

این ایام، وقت حساب‌رسی نسبت به عمر است!

علی (علیه السلام): **أَكَيْسُ الْكَيْسِينَ** زیرک‌ترین زیرکان **مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ** کسی است که از خود حساب بکشد **وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ** و کارهایش را در ارتباط با جهان دیگر انجام دهد. وقتی علی (علیه السلام)؛ این جملات را از پیغمبر نقل فرمود شخصی سوال کرد. **كَيْفَ يُحَاسِبُ نَفْسَهُ**، انسان چگونه از خود حساب بکشد؟

قَالَ (علیه السلام)؛ **إِذَا أَصْبَحَ** هرگاه شب را به روز آورد، **ثُمَّ أَمْسَى**، و روز را به شب رساند، **رَجَعَ إِلَى نَفْسِهِ**، بازگشتی به خود داشته باشد **و قَالَ يَا نَفْسِي** و بگوید: ای فلانی! **إِنَّ هَذَا يَوْمٌ مَضَى عَلَيْكَ** امروز روزی بود که بر تو گذشت **لَا يَعُودُ إِلَيْكَ أَبَدًا** در حالی که هیچ‌گاه به سوی تو باز نمی‌گردد **وَ اللَّهُ يَسْأَلُكَ عَنْهُ بِمَا أَفْنَيْتَهُ** و خدا از تو می‌پرسد آن را در چه راهی مصرف کردی؟

امسال هم «بخشی از هستی ما» از دست رفت!

در اینجا صحبت از روز نیست، این بخشی از هستی ما است که گذشته و از دست رفته. خداوند سوال می‌کند که این سرمایه را در چه راهی فانی کردی؟

فَمَا الَّذِي عَمِلْتِ فِيهِ فِي يَوْمِ كَرِي فِي رُؤْسِ انْجَامِ دَادِي؟ ذَكَرْتِ اللّٰهَ اَمْ حَمِدْتِهِ اَيَا فِي فِي
اين روز به ياد خدا بودي و او را حمد و ستايش كردي؟

اَقْضَيْتِ حَوَائِجَ مُؤْمِنٍ فِيهِ اَيَا فِي رُؤْسِ خَوَاسْتِه و حَاجَتِ بَرَادِرِ اِيْمَانِيَّاتِ رَا بَا اِيْنِ
كه قدرت داشتى برآورده كردي؟ اَنْفَقْتِ عَنْهُ كُزْبَهُ اَيَا اَزِ كِرْفَتَارِيْ هَايِ اَوِ كِرِهْ كِشَايِي
كردي؟

اَحْفَظْتِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ فِيْ اَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ اَيَا فِي غِيَابِ بَرَادِرِ مُؤْمِنَاتِ اِخْوَاتِ اِسْلَامِي و
ايماني را نسبت به خاندان و فرزندش رعايت كردي؟

اَحْفَظْتِيهِ بَعْدَ الْمَوْتِ فِيْ مُخَلَّفِيهِ اَيَا بَعْدَ اَزِ مَرِغِ اَوِ اَزِ اِيْنِ حَرِيْمِ اِيْمَانِيَّاتِ نَسَبْتِ بِه
بازماندگانش حراست و مراقبت كردي؟

اَكْفَمْتِ عَنْ غَيْبَةِ اَخٍ مُؤْمِنٍ اَيَا اَزِ غِيْبَتِ كِرْدَنِ پِشْتِ سِرِ بَرَادِرِ مُؤْمِنَاتِ جَلُوْگِيْرِي
كردي؟

اَعْنَتِ مُسْلِمًا اَيَا كَمَكِ كَارِ بَرَادِرِ مُسْلِمَانَتِ بُوْدِي؟ مَا الَّذِي صَنَعْتِ فِيهِ فِي رُؤْسِ
چه كار كردي؟

روش تفكر در ايام گذشته

اَيَا مَا هِرِ رُؤْسِ يَكِ چنين محاسبه‌اي انجام مي‌دهيم؟ يا حِداقْلِ هَفْتِه‌ايِ يَكِ بار و يا
ماهي يَكِ بار مي‌نشينيم فكر كنيم كه چه كارهايي انجام داده ايم. برخي از افراد براي
امور مادي‌شان دفتر روزانه و هفتگي دارند. برخي هم دفتر سالانه دارند

در لحظات آخر سال چه كنيم؟! اَيَا سَزَاوَارِ نِيْسْتِ كه اين طور فكر كند؟
همان طور كه علي (عليه السلام) فرمود خوب است انسان بنشيند و در اين باب فكر كند.
در سالي كه گذشت و به اتمام رسيد چه كردم؟ اَيَا بِه ياد خدا بودم؟

آیا او را ستایش کردم؟ آیا گرفتاری برادر مؤمنم را رفع کردم؟ آیا حاجتی از او برآورده کردم؟ آیا در غیابش مراقب بودم تا حیثیتش را حفظ کنم؟ آیا در این سال به وظایف برادری و اسلامی خود نسبت به دوستانی که از دست دادم عمل کردم؟ آیا حال بستگان آنها را جویا شدم؟ ولو اینکه به حسب ظاهر از آنها دل جویی کنم؟

در سالی که گذشت چه کردیم؟! الآن چه کنیم؟!

علی(علیه السلام) بعد از آنکه چند چیز برای روش تفکر و محاسبه نسبت به گذشته آموخت فرمود **ما الّذی صنعت فیه** به خود بگو: ای فلانی! در این روزی که گذشت چه کردی؟ **فیزکر ما کان منه** پس گذشته را یادآور شود **فان ذکر أنّه جری منه خیا** اگر به گذشته مراجعه کرد و دید آنچه که بر او گذشته خیر بوده . **حمد الله و کبره علی توفیقه** حمد خدا را به جا آورد و بگوید **الحمد لله** و نسبت به این موفقیتی که خدا به او عنایت فرموده بگوید. **الله اکبر** و بداند این توفیق هم از خدا بوده . و ان **ذکر معصیه** او تقصیراً و اگر دید گناهی انجام داده و خطایی از او سر زده، **استغفر الله**، از خدایش پوزش بخواهد و استغفار کند. و **عزم علی ترک معاودته** و تصمیم بگیرد که دیگر به آن گناه بازنگردد و آن را تکرار نکند

هستی و سرمایه ای که از ما کاسته شد را در چه راهی و چگونه مصرف کردیم؟

انسان نسبت به اعمال یک ساله اش بیلان آخر سال عرضه کند. همان طور که علی(علیه السلام) می فرماید این موجب می شود تا انسان نسبت به آینده اش مراقب باشد. اگر انسان بخواهد به معنای واقعی خودش را بسازد، یکی از راه های بزرگ برای سازندگی انسان توجّه به اعمال گذشته خود است. خصوصاً از فرصت هایی که برای انسان پیدا می شود برای تنبّه و تذکر خود و اینکه از خواب غفلت بیدار شود و نسبت به آینده تنظیم شود استفاده کند که یکی از این فرصت ها پایان سالی است که گذشت. امسال تمام شد و گذشت اما ما چه کردیم؟

دعای تحویل سال نکات آموزنده و سمبلیک فراوانی دارد

عید از عود گرفته شده و در لغت به معنای بازگشتن است دگرگونی سال جدید و بازگشت بهار نو و نوروز، عیدهایی چون عید فطر را تداعی می کند. مسلمان روزه دار پس از یک ماه عبادت روزی را که غبار از فطرت توحیدی اش زدوده شده به فطرت توحید بازگشته است، عید می گیرد البته مراتب این بازگشت در افراد گوناگون فرق می کند. دعای تحویل سال هم با جملاتی کوتاه همین مسیر را پیش پای انسان می گشاید.

فرازهای چهارگانه این دعا و نظم و ترتیب حاکم بر آنها خود بیانگر مفاهیم بلندی است. در اولین فراز، سخن از قلب است و چشم دورکن اساسی و کلیدی در شناخت و فهم و درک غبار زمانه چشمانت را پوشانده و توان دیدن و فهمیدن و هجرت را از تو سلب کرده اند هنوز هم امروز و فردا را چون دیروز می بینی و می فهمی از درک خوبی ها و زیبایی ها عاجزی و دست خدا که فرا دست همه دستهاست و از درک و فهم لطف و مهربانی های او باز می مانی درست مثل آنان که قرآن کریم توصیف می فرماید: **لهم قلوب لایفقهون بها قلب دارند** اما با آن چیزی را نمی فهمند و درک نمی کنند. و **لهم اعین لایبصرون** چشم دارند اما بینا نیستند و حقایق را نمی بینند

یا مقلب القلوب و الابصار در چنین وضعیت اسفناکی است که به خدا پناه می بری و در اولین مرحله و پیش از هر چیز در آغاز سال جدید و در اولین گام هجرت ات از خداوند انقلاب و دگرگونی قلب و شستشوی چشم را می خواهی و به این دورکن توجه میکنی چه آنکه اگر قلب و چشم دگرگون و فعال نشوند و از بند اسارت آزاد نگردند از بقیه اعضاء بدن چکاری ساخته است؟ قلب زنگار گرفته ام را بازگیر، چشم شور و حسود و خیره ام را شستشو ده تا عاقبت را بگونه ای دیگر ببینم. فرداهای سرنوشت را از هم اکنون آنگونه که تو دوست داری نقش بزنم، چه آنکه اگر چنین نکنی، چشم و قلبم اسیر در قالب ها اسیر در گذشته خواهند ماند مرا نیز به اسارت خواهند برد،

مقلب القلوب و الابصار پروردگار است که قلب ها را به سمت کمال دگرگون می سازد و چشم ها را به سوی خود می دوزد. قلب ها چون کرات دگرگون می شوند; ولی پس از دگرگونی، باید استواری یابند; زیرا در ادعیه وارد شده است: و ثبت قلوبنا علی دینک; قلب های ما را بر دین خود ثابت بدار. اگر قلوب دگرگون شدند و سپس بر دین الاهی استوار گردیدند، ابصار نیز چنین می شوند; زیرا ابصار فرمانبردار قلوبند. شاید از این رو اول قلوب و سپس ابصار ذکر شده است.

یا مدبر اللیل و النهار

شب و روز سمبل تغییر و تحول فراگیر و جهان شمول اند. هر کس در هر کجای جهان و از هر طبقه و قشری و در هر شرایطی شب را می فهمد و روز را درک میکند. آندو واقعیتی هستند ملموس برای همه، هیچ جنبنده ای نیست مگر آنکه در ظرف زمان قرار می گیرد و شب و روز را تجربه میکند. از آغاز خلقت چنین بوده و تا پایان نیز چنین خواهد بود شب و روز با آهنگی یکنواخت و دائمی، یکی پس از دیگری از راه می رسند و آهنگ تحول و حرکت را زنده نگه می دارند.

یا مدبر اللیل و نهار لیل و نهار نماد ظلمت و نورند. اگر او شب و روز را تدبیر می کند، ظلمت و نور را هم می آفریند. پس فقط او می تواند چنان تدبیر کند که پرده ظلمت از روی دل کنار رود و نور معرفتش بر آینه قلب بتابد.

در آیه دویست و پنجاه و هفتم سوره بقره می فرماید: **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...**; خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند; آن ها را از ظلمت ها به سوی نور بیرون می برد. محول سال و حال او است. قرین بودن تحویل سال با تحویل حال نکته ای در خور اهمیت است که کم تر به آن التفات می شود. آن قدر که تحویل سال و رسوم آن خود نمایی می کند، تحویل حال جلوه ای ندارد و در پشت پرده غفلت هیچ انگاشته شده است; راستی چرا در این دعای پر معنا

و تنبه بخش، به هنگام تحویل سال، تحویل حال به احسن حال در خواست می شود؟ به نظر می رسد، برای آن است که ابتدا احسن الحال را بفهمیم و سپس در راه تحقق آن گام نهیم؟ تفسیر این احسن الحال را باید در عمق آن دعا یافت که، اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک؛ خدایا، بدی حال ما را به خوبی حال خود تغییر ده. « درباره ذات اقدس الاهی، احسن بودن حال بی معنا است؛ زیرا تفضیل حالی بر حال دیگر، فقدان وجدان و تبدیل و تبدل می طلبد و ذات اقدس الاهی از آن پیراسته است.

برتری حالی بر حال دیگر درباره ما انسان ها کاملاً درست می نماید. کمال ما انسان ها در همین است که سوء حال را به حسن حال و حسن حال را به احسن حال تبدیل کنیم. حسن حال الاهی به معنای وجود تمام کمالات به نحو اتم و اکمل در ذات اقدس الاهی است. احسن الحال بودن برای ما یعنی رسیدن به تمام آن کمالات به قدر ظرفیت وجودی مان؛ زیرا ما حالی احسن و برتر از آن نداریم. تحویل حال به احسن الحال همان تغییر سوء حال انسان به حسن حال الاهی است؛ و این تغییر وقتی تحقق می یابد که:

۱. از پلیدی گناه رهایی یابیم، زیرا بدترین حال انسان و پست ترین مقام آدم هنگامی است که در باتلاق گناه فرو می رود

۲. انجام واجبات را چون چراغی فرا راه خود قرار دهیم تا ما را به سوی حسن حال الاهی رهنمون شود

۳. زنگار صفات پلید را از آینه دل بزداییم تا سوء حال ما به حسن حال نگار تبدیل شود. از این رو، یکی از اعمال عید نوروز، روزه گرفتن است تا انسان خود را در راستای رسیدن به احسن حال، یعنی وصول به حسن حال الاهی، قرار دهد و به اخلاق الله متخلق سازد

یا محول الحول و الاحوال ای دگرگون کننده حال و حالات

اذعان میکنیم که اگر لحظه ای خداوند که دگرگون کننده مطلق است ما را به حال خود رها کند نه تنها در یک حالت ثابت و راکد و متعفن واقع میشویم بلکه اساساً نفس دگرگون شده و تغییر نیز به رکود و سکون تبدیل و صلاحیت اتصاف به تحول و دگرگونی را از دست میدهیم و سرنوشت مختوم و تقدیر ماندن و گنبدن و پوسیدن و هیچ شدن رقم میخورد. و بر اثر غفلت و گناه و مصیبت ظرفیت و توان دگرگون شدن را هم از دست میدهیم و این اوج بیچارگی و عجز و فلاکت انسان خواهد بود. بنابراین با نسبت دادن «حول» اصل دگرگونی و «احوال» اشکال بیرونی و ظاهری تغییر و تحول به «محول» راه را برای فراز چهارم و اصلی ترین فراز دعا باز می کنیم. چون در بخش نهایی است که بنده پس از طی ۳ مرحله مقدماتی درخواست و نیاز خود را مطرح می کند و می گوید:

حول حالنا الی احسن الحال حال مرا دگرگون کن به زیباترین حال

یعنی اکنون که لطف عام و کریمات ات تمام هستی را در برگرفته و به شهادت شب و روز تو تنها دگرگون کننده زمان و مکان و عالم هستی، حقیقت تحول و دگرگونی به دست توست. پس ای خدای مهربان، دستم را بگیر، و یاری ام کن و مرا از این «حال» غم انگیز و دردناک رهایی بخش و به حال برتر و زیباتر برسان. تو به رفتار و اعمال و قصورات من منگر که اگر معیار من باشم سرنوشتی دردناک نصیبم خواهد شد، لطف و کرم ات را جاری کن و به دیده کرامت بنگر. درست است که من خویشتن خویش را گم کرده ام و در من های دروغین و خود ساخته اسیرم، اما در این لحظات حساس و مهم که جهان را از تحول و دگرگونی پر می سازی به بارگاه مقربین و اولیائت پناه آورده و آنان را شفیع خود قرارداده حریم حرم آل مجد را حرمت نهاده ام دل به حرمش آورده ام. ای صاحب حرم حرمتم بدار و این ترنم شادی بخش و رهایی بخش را از من بشنو، با همه وجود دگرگونی و تحول و رهایی و پرواز را امید دارم. خدایا ناامیدم نگردان. آمین

هفت سین قرآنی

۱- سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (یس ۵۸) از جانب پروردگار [ی] مهربان [به آنان] سلام گفته می شود.

بر آنان رسانند پیک و سلام ز رحمان خداوند والامقام

۲- سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (صافات ۷۹) درود بر نوح در میان جهانیان

تحیت بر او بین اهل جهان ۷۰ چنین است پاداش بر محسنان ۸۰

۳- سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (صافات ۱۰۹) درود بر ابراهیم

سلام و تحیت ز رب جلیل بسی باد بر ابراهیم خلیل

۴- سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ (صافات ۱۴۰) درود بر موسی و هارون

سلام و تحیت ز رب جهان به موسی و هارون بود هر زمان

۵- سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (صافات ۱۳۰) درود بر یروان الیاس

بسی باد بر آل یاسین سلام سلام خداوند والامقام

۶- سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (زمر ۷۳) سلام بر شما، خوش آمدید، در آن

درآید و جاودانه بمانید

بخواهند آورد سوی بهشت همه مردم صالح خوش سرشت

گشادست درهای جنت تمام بگویند بادا شما را سلام

که عیش ابد شد نصیب شما بیابید جاوید در آن بقا

۷- سلام هی حتی مطلع الفجر (قدره) آن شب تا دم صبح، صلح و سلام است

بود تا سحر ذکر حق و سجود که این شب، شب رحمت است و درود

۱- **سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ** این ندای روح افزا و نشاط بخش و مملو از مهر و محبت خدا، چنان روح انسان را در خود غرق می کند و به او لذت، شادی و معنویت می بخشد، که به هیچ نعمتی برابر نیست. آری شنیدن ندای محبوب، ندایی آمیخته با محبت و آکنده از لطف سر تا پای بهشتیان را غرق سرور می کند، که یک لحظه آن بر تمام دنیا و آنچه در آن است برتری دارد. از پیامبر اکرم ص روایت شده: در همان حال که بهشتیان غرق در نعمت های بهشتی هستند نوری بر بالای سرایشان آشکار می شود؛ نور لطف خداوند که بر آنها پرتو افکنده است

پس ندایی بر میخیزد که «سلام بر شما ای بهشتیان» نظر لطف خداوند چنان بهشتیان را مجذوب می کند که از همه چیز او غافل می شوند، و همه نعمت های بهشتی را در آن حال به دست فراموشی می سپارند.

به عبارتی دیگر: یعنی خدای رحیم سلام می رساند. یعنی از جانب او به اهل مملکتش آسیبی نمی رسد. هرچه می رسد رحمت است. این را که می شنوی. این که از جانب سلطان به تو آسیبی نمی رسد؛ این که اصلاً خود او، سلام است، دلت آرام می شود. می خندی. حال خدا را می پرسی. با او رفیق می شوی.

سلام و سلامتی از یک جاست. سلام یعنی از من به تو، به سلامتت، آسیبی نمی رسد. وقتی می بینی کسی از دور دارد می آید، وقتی سایه کسی را از پشت دیوار می بینی، وقتی صدای پای ناشناسی را از پشت سرت می شنوی، دلت شور می زند. هی آشوب می شود. اما وقتی نزدیک آمد و گفت "سلام". دلت آرام می شود. تو هم می گویی سلام می خندی. حالش را می پرسی. رفیقش می شوی.

۲- **سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ** درود بر نوح در میان جهانیان. چه افتخاری از این برتر و بالاتر که خداوند بر حضرت نوح سلام می فرستد، سلامی که در میان جهان و

جهانیان باقی می ماند و تا دامنه قیامت گسترده می شود سلام خدا توأم با ثناء جمیل و ذکر خیر بندگانش. در قرآن کریم؛ کمتر سلامی به این گستردگی و وسعت درباره کسی دیده می شود، به خصوص اینکه لفظ العالمین معنای وسیعی دارد که نه تنها همه انسان ها، بلکه عوالم فرشتگان و ملکوتیان را نیز در بر می گیرد.

در قرآن، بارها درباره ی حضرت نوح که الگو و اسوه ی مقاومت ست و تاریخ آن حضرت برای پیامبر سبب دلگرمی و آرامش بوده، سخن به میان آمده.

این پیامبر الهی ویژگی هایی داشت از جمله:

الف) اولین پیامبر اولوالعزم است که به عنوان شیخ الانبیا نامیده شده

ب) تنها پیامبری است که مدت رسالتش در قرآن مطرح شده

ج) سلام خدا به نوح ویژگی خاصی دارد و عبارت «فِي الْعَالَمِينَ» به آن اضافه شده

د) پیامبری است که حتی فرزند و همسرش با او مخالف بودند و به او ایمان نیاوردند شاید مراد از ندای حضرت نوح در این آیه، همان آیه ۲۶ سوره ی مؤمنون باشد که گفت: رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كُنتَ بَدَأْتَنِي . همان آیه ۲۶ سوره ی مؤمنون باشد که گفت: رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كُنتَ بَدَأْتَنِي .

خدا، فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ است، یعنی آنچه را به صلاح بنده باشد اجابت می کند، نه آنچه را بنده معین کرده.

۳- سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ درود بر ابراهیم . كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم (که برای آنان مدح و ثنا به جا می گذاریم). همانا او از بندگان مؤمن ماست.

در آیات پیش از این آیه، به چگونگی بشارت دادن فرزندی بردبار و پر استقامت بر حضرت ابراهیم، و جریان دستور ذبح اسماعیل (فرزند ایشان) و تسلیم بودن هر دوی

آنها براین امر به میان آمده است که پس از یادآوری این قضایا، خداوند می فرماید:
سلام بر ابراهیم [آن بنده مخلص و پاک باد]

تمام مناسک حج، از طواف کعبه تا نمازی که پشت مقام ابراهیم خوانده می شود و پیدا شدن انبیایی از نسل او همه و همه نمونه هایی از یاد خیر او در تاریخ است

۴- **سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ** درود بر موسی و هارون . در آیات پیش جریانات حضرت موسی و هارون را نقل می فرماید: - ما این دو برادر و قوم آنها را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم. (صافات ۱۱۵) - ما آنها را یاری کردیم تا آنها بر دشمنان نیرومند خود پیروز شدند. (صافات ۱۱۶) - ما به آن دو، کتاب آشکار دادیم. (صافات ۱۱۷) - ما آن دو را به راه راست هدایت نمودیم. (صافات ۱۱۸) - ما ذکر و یاد خیر آنها را در اقوام بعد باقی و برقرار ساختیم (صافات ۱۱۹)

و بعد از یادآوری موارد فوق خداوند بر آن دو سلام می رساند. سلامی از ناحیه پروردگار بزرگ و مهربان . سلامی که رمز سلامت در دین و ایمان در اعتقاد و مکتب، و در خط و مذهب است. سلامی که بیانگر نجات و امنیت از مجازات و عذاب این جهان و آن جهان است. در این سوره هر کجا فرمود: برای انبیا نام نیک باقی گذاشتیم، به سه عنصر اشاره کرده:

۱. احسان ۲. ایمان ۳. عبادت **إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ** إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

۵- **سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ** درود بر پیروان الیاس . ما نام نیک الیاس را در میان امت های بعد جاودان کردیم (صافات ۱۲۹)

امت های دیگر، زحمات این انبیاء بزرگ (الیاس و سلاله او) را که در پاسداری خط توحید، و آبیاری بذر ایمان منتهای تلاش و کوشش را بعمل آوردند، هرگز فراموش نخواهند کرد و تا دنیا برقرار است یاد و مکتب این بزرگ مردان فداکار زنده و جاویدان

است. تعبیر به ال یاسین بجای الیاس یا به خاطر این است که ال یاسین لغتی در واژه الیاس بوده و هر دو به یک معنی است و یا اشاره به الیاس و پیروان او است که به صورت جمعی آمده است.

مراد از «إِلْیَاسِیْنَ» همان «الیاس» است که در چند آیه قبل سخن درباره او بود و این دو کلمه نام یک فرد است، مانند «سینا» و «سینین» که نام یک سرزمین است. بهترین دلیل بر این مطلب آن است که اولاً در آیات بعد، ضمیر مفرد درباره او به کار می‌رود: إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا و ثانیاً تشابه و تکرار این آیات در مورد پیامبران قبلی یعنی حضرت نوح، ابراهیم، موسی و هارون، نشان می‌دهد که الیاس در إِنَّ إِلْیَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ می‌باشد. روایاتی که إِلْیَاسِیْنَ را آل یاسین قرائت کرده و مراد از آن را خاندان پیامبر اسلام دانسته، اکثراً از اهل بیت علیهم السلام نیست و مورد اعتماد نمی‌باشد.

۶- سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِیْنَ سلام بر شما، خوش آمدید، در آن درآید و جاودانه بمانید. بهشتیان وقتی به بهشت می‌رسند، در حالی که درهای آن گشوده شده در این هنگام نگهبانان بهشت، آن ملائک رحمت به آنها می‌گویند: سلام بر شما، گوارا باد این نعمت‌ها بر شما، داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید.

و سِیْقَ الَّذِیْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِیْنَ و کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون به نزد آن رسند، در حالی که درهای بهشت گشوده شده است و نگهبانان بهشت به آنان گویند: «سلام بر شما پاک و پسندیده بودید، پس داخل شوید در حالی که در آن جاودانه خواهید بود».

همین که دوزخیان به دوزخ می‌رسند درها باز می‌شود جَاؤَهَا فُتِحَتْ ولی در این آیه می‌فرماید: وَفُتِحَتْ یعنی بهشتیان به بهشت می‌رسند در حالی که قبلاً درها برایشان باز شده است.

در کتاب خصال از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که بهشت هشت در دارد و هر دری مخصوص گروهی است. یک در برای انبیا و صدیقان، یکی برای شهدا و صالحان و پنج در برای شیعیان من و یک در برای مسلمانانی که کینه‌ی مرا ندارند.

سؤال: با آنکه عمر و اعمال نیک و بد انسان در دنیا محدود است، چرا کیفر و پاداش قیامت نامحدود است که قرآن می‌فرماید: دوزخیان و بهشتیان جاودانه در آتش یا بهشت خواهند بود.

پاسخ: اولاً جاودانگی در بهشت، از باب لطف خداوند است و منافاتی با عدل ندارد. ثانیاً جاودانگی در دوزخ برای همه دوزخیان نیست بلکه بسیاری از مجرمان پس از دیدن کیفر اعمالشان و پاک شدن از گناه، وارد بهشت می‌شوند.

ثالثاً مدّت کیفر بستگی به میزان سبکی یا سنگینی جرم دارد، نه زمان انجام جرم. چه بسا کسی که در یک لحظه اقدام به قتل کسی کرده و حتّی موفق نشده، اما دادگاه برای او حبس ابد مقرر می‌کند.

آیا مجازات کبریت زدن به یک بشکه بنزین یا یک کشتی بنزین یکسان است؟ آری، آن که تمام عمر نافرمانی خالق هستی و خدای بزرگ را کرده است، برای همیشه در عذاب خواهد بود

۷- **سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ** آن شب تا دم صبح، صلح و سلام است. این آیه، در توصیف شب قدر است آن شبی است که قرآن در آن نازل شده و عبادت و احیاء آن معادل هزار ماه است. خیرات و برکات الهی در آن شب نازل می‌شود و رحمت خاص الهی شامل بندگان می‌گردد و فرشتگان و روح در آن شب نازل می‌گردند.

سَلَامٌ، یکی از نام‌های خداست **هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ**

مراد از «سَلَامٌ» در این آیه، لطف و عنایت ویژه الهی نسبت به بندگان در شب قدر است که سلامت و رحمت و برکت را بدنبال دارد و باب نعمت و عذاب را می‌بندد، زیرا کید و وسوسه شیطان در آن شب مؤثر واقع نشود.

در شب قدر، فرشتگان به زمین نازل می‌شوند و بر هر مرد و زنی که در حال عبادت باشند، سلام می‌کنند چنانکه در قیامت نیز با گفتن سلام به استقبال بهشتیان می‌روند

۱- شب قدر، شب سلامت فکر و روح آدمی و تعالی به سوی خدا، سلام است

۲- شب قدر، شب رحمت و می‌توان با توبه، الطاف خدا را به خود جلب میکند

۳- تقدیر امور از سوی خدا بر اساس سعادت بشر است

مراد درود فرشتگان بر مؤمنان است که طلب آمرزش و رحمت برای ایشان است. سلامت یعنی طاعت و عبادت در آن، موجب سلامت و درامن و امان ماندن مؤمنان از هر چیز است

یادآوری: شب قدر در مناطق مختلف، یکی است. این مدّت که تاریکی تمام نقاط زمین را به تدریج فرا می‌گیرد، شب کامل کره زمین و شب قدر آنست که باختلاف چند ساعت زودتر و دیرتر، مهمان مردمان گوشه و کنارسراسر زمین می‌شود

اینکه چرا ۷ تا سین و نه کمتر و یا بیشتر

خود این موضوع توجیهاتی دارد که باید گفت عدد هفت در میان اقوام و ملل مختلف، محترم یا مقدس بوده. از هفت روز هفته گرفته تا هفت آسمان، هفت طواف کعبه، هفت سعی میان صفا و مروه، هفت سنگ انداختن به شیطان، هفت تکبیر و هفت موضع بدن انسان در هنگام نماز و ...

همه و همه از اهمیت این عدد حکایت می‌کند. غیر از هفت‌سین شاخص، معمولاً بر اجزای سفره آب می‌افزایند که آب نشانه روشنایی و خرمی و رویش است، شمع و چراغ به نوعی آرزوی طول عمر است، نان و سکه به نشانه نعمت و برکت در سفره گذاشته می‌شود و تخم مرغ نشان پیدایش حیات و آغاز تکوین موجودات است. گلاب، عطری مقدس و روحانی است و ماهی سرخ نیز نشان حیات و شادابی این سفره

هفت سین محمدی صلی الله علیه و آله

۱- السعید من اختار باقیه یدوم نعیمها... سعادت‌مند و خوشبخت کسی است که سرای باقی را که نعمتش پایدار است به سرای فانی که عذابش بی پایان است برگزیند و از آنچه در اختیار دارد برای سرایی که بدانجا خواهد رفت پیش فرستد قبل از آنکه آنها را برای کسی گذارد که وی با انفاق آن خوشبخت شود ولی خود او با گرد آوردن آن بدبخت شده باشد.

۲- السخی قریب من الله، قریب من الناس، قریب من الجنه، سخاوت‌مند و بخشنده، هم به خداوند و هم به مردم و هم به بهشت نزدیک است.

۳- السؤال نصف العلم سؤال کردن و پرسشگری نیمی از دانایی است.

۴- السوق دار سهو و غفله فمن سبح فیها تسبیحه کتب الله له بها الف الف حسنه کنزل العمال بازار سرای فراموشی و غفلت است لذا هر که در آنجا خدا را یک بار تسبیح گوید خداوند برایش هزاران حسنه مینویسد.

۵- سَابِ الْمُؤْمِنِ كَالْمَشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ كُنْزُ الْعَمَالِ کسی که به مومنان ناسزا و دشنام می‌دهد، همچون کسی است که در معرض هلاکت است.

۶- سموا اولادکم اسماء الانبیاء فرزندان تان را به نام انبیا بنامید

۷- سید القوم فی السفر خادمهم فمن سبقهم بخدمه لم يسبقوه بعمل الا الشهاده
کنز العمال سرور مردم در سفر کسی است که به آنان خدمت می کند پس هر که در
خدمت به همسفران خود برآنان پیشی گیرد هیچ کارشان به پای ارزش او نمی رسد
مگر شهادت.

هفت سین؛ نماد نیکی‌ها

سنجد می گویند سنجد، تداعی خردگرایی و دعوت به عقل است

سیب سیب سفره هفت سین نماد سلامتی و شادابی است

سبزه سبزه در سفره هفت سین را نشانه خوش اخلاقی و خرمی و شادابی می دانند

سمنو سمنو در سفره هفت سین علامت قدرت است

سرکه سرکه در سفره ۷ سین نشانه پذیرش ناملایمات حیات و نماد رضا و تسلیم

سماق نماد عدالت، صبر و امید در ساحل زندگی است، بردباری و تحمل دیگران و

بردباری برای نیل به خواست‌ها و آرزوها.

سنجد می گویند سنجد، تداعی خردگرایی و دعوت به عقل است. سنجد نماد سنجیده

اقدام کردن است و یا به عبارتی دیگر سنجیده فکر کردن و عمل نمودن. سنجد را بر

این باور بر سفره می گذارند تا هر کس با خود عهد کند که در آغاز سال، هر کاری را

سنجیده انجام دهد. قرار دادن سنجد بر سفره هفت سین، نشانه گرایش به عقل و

احترام به تفکر و ترویج خردمندی است. در حدیث نبوی آمده اولین چیزی را که

خداوند آفریده، عقل است. آدمی با رهنمود عقل به خواسته خود پیروزی را در می یابد.

از امام رضا (علیه السلام): بهترین دوست هر انسانی عقلش می باشد

سیب سیب سفره هفت سین نماد سلامتی و شادابی است. در منقولات اسلامی آمده

است که خوردن سیب از ثواب بالایی برخوردار است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: سیب را اکسیر جوانی و میوه بهشتی نامیده‌اند. معروف است که خوراک آدم و حوا، قبل از خوردن گندم و رانده شدن از بهشت، سیب بوده است. سیب هشداری است برای انسان تا به سلامت جسم خود بیندیشد و بهداشت و صحت و سلامت بدن خود را به دست فراموشی نسپارد، پس برای حفظ سلامت بدن خویش باید همت گماشت، چرا که با بدن سالم می‌توان در راه خدمت قدم گذاشت. بدن سالم و روح سالم لازم و ملزوم یکدیگرند. هر دو در فضای سلامتی دارای حیات خواهند بود. دیه در برابر ضربه یا نقصی که در بدن پیش می‌آید حاکی از ارزش جسم است پس باید به سلامت آن توجه نمود.

سبزه سبزه در سفره هفت سین را نشانه خوش اخلاقی و خرمی و شادابی می‌دانند. سبزی با خود، شادابی، زندگی، سرشاری و نیکویی را به همراه دارد. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: من برای اخلاق نیک مبعوث شدم و خداوند کسی را که با ترشروی با برادرانش و دوستانش روبه‌رو می‌شود دشمن می‌دارد. تعامل داشتن با خانواده و مردم با چهره شاد حاصل خواهد شد. خداوند خود نیز با مهربانی و بخشندگی جهان تکوینی را مدیریت می‌نماید. همچنین در قرآن آمده است که پیامبر با اخلاق و گفتار نیک توانست مردم را به دین جذب نماید. در اخبار اسلامی آمده است که رسول خدا همواره متبسم بوده است و طبعاً انسان خوش اخلاق و با نشاط رستگار است. خلاصه اینکه سبزه نشانه طبیعت پرشور و خروش است. رنگ سبز نشانه تعادل و پیشرفت است.

سمنو سمنو در سفره هفت سین علامت قدرت است. آدمی در فراز و نشیب زندگی خود (خانواده) و جامعه می‌بایست نیرومند و قوی باشد. برای مقابله با سختی‌ها، قدرت الزام‌آورترین مولفه‌ای است که می‌تواند ما را در برابر ناملایمات نگهداری کند. علی (علیه السلام) در این خصوص فرمودند: قدرت و توانایی خصلت‌های نیکو و نیز خصلت‌های نکوهیده انسان را آشکار می‌سازد که همانا قدرت در علم و جسم زمینه‌ساز اعتماد و اعتبار و در انجام هر کاری مفید و موثر خواهد بود.

امام علی(علیه السلام) در دعای کمیل این‌گونه بیان می‌دارد؛ پروردگارا، اعضا و جوارحم را در راه خدمت به خودت قوی و نیرومند گردان. در قرآن کریم این چنین آمده است که در برابر دشمنان خود قوی و نیرومند باشید که هر کس برخواسته‌های نفس حاکم شود قوی خواهد بود.

سیر سیر نماد و اسطوره موعظه و نگه داشتن حدود و حقوق دیگران و عدم تجاوز به حقوق آنان می‌باشد. اگر همه ما حقوق و حدود خود را بشناسیم و این روش و منش را در رفتارمان متبلور سازیم، باید مطمئن باشیم که جامعه راه به عدالت خواهد یافت. پس فارغ از چند و چون زمان، زمینه را برای رشد فرهنگی، اعتماد عمومی، اعتقاد صحیح و اعتبار جامعه فراهم آوریم. سیر یادآور امتناع از تعدی است به اینکه انسانی عاقل، سالم، شاداب، قوی و قانع باشیم.

سرکه سرکه در سفره هفت‌سین نشانه پذیرش ناملايمات حیات است و نماد رضا و تسلیم. لازم به یادآوری است که زندگی پیوسته توأم با رنج و مشقت و زحمت است و هیچ انسان معتقد و با مسئولیتی نیست که بدون دغدغه بتواند به زندگی ادامه دهد. خالق یکتا در قرآن کریم فرموده است ما انسان را برای استواری و استقامت در سختی بیافریدیم، لذا خداوند زمین و آسمان، انسان را آسوده و بی‌غم نیافریده است. قرار دادن سرکه در سفره هفت سین نمادی از پذیرش واقعیت‌های حیات است. ترس از شکست معنی ندارد و از رخدادهای ناگوار باید به عنوان یک واقعیت هرچند تلخ یاد کرد و هر شکستی را سرچشمه تجربه‌ای تازه برای سایر امور قرار داد تا بتوانیم در راه کمال طلبی و پیشرفت گام نهیم، لذا زیر بنای هر رستگاری در تحمل سختی‌های آن است.

سماق نماد عدالت، صبر و امید در ساحل زندگی است، بردباری و تحمل دیگران و بردباری برای نیل به خواسته‌ها و آرزوها. صبر به انسان می‌آموزد که در گذر زندگی،

خستگی را باید خسته کند تا کام دل را بیابد. بی‌گمان در وجود هر انسانی جوهره صبر و مقاومت، برای دستیابی به اهدافش موج می‌زند. در قرآن کریم آمده است که پیامبر زمانی به رسالت خویش امید پیدا خواهد کرد که صبوری را پیشه خود نماید. تحمل حوادث پیش آمده درس عبرتی در تاریخ زندگی ماست. از این رو قرار دادن سماق در سفره هفت سین دعوت از انسان است در آغاز سال به پایداری و مقاومت در راه دستیابی به اهداف پاک و انسانی خویش که خداوند با صابرين خواهد بود.

پذیرش فرهنگ های ملی از سوی اسلام

فرهنگ های ملی همواره نمادهایی را با خود همراه دارند که یادآور روزهای تلخ و شیرین ملتی است. اسلام بسیاری از فرهنگ های ملی را تایید و امضا کرده. این مساله به ملت های قومی جهان این امکان را می بخشد تا با حفظ فرهنگ های ملی و حتی خرده فرهنگ ها، اسلام را به عنوان سبک زندگی بپذیرند

هنگامی که اسلام با فرهنگ ایرانی و یونانی و مصری و رومی مواجه شد، همین رویه را با آن ها در پیش گرفت. به عنوان نمونه، فرهنگ ایرانی و آریایی نوروز از سوی اولیای دین و امامان معصوم (علیهم السلام) مورد تایید و توجه قرار گرفته است و حتی از سوی امامان (علیهم السلام) برخی از آن ها مورد توجه ویژه قرار گرفته است

مسئله دید و بازدید و ارج و احترام به بزرگ تر و عیدی دادن به کودکان و برگزاری جشن های شاد، از جمله مسایل آیینی نوروز است که مورد توجه بوده است

دیدگاه اسلام درباره آئین های نوروزی

طبیعت مادر انسان است و زندگی انسان به طبیعت و محیط زیست آن، چنان گره خورده که بی طبیعت نه تنها بقای انسان بلکه وجود وی نیز شدنی و ممکن نیست. اسلام بسیاری از آیین های ایرانی را پذیرفته و یا با پالایش و تغییراتی اندک آن را تأیید

و امضا نموده است. احترام و تقدیس و حضور در طبیعت و آشتی با آن و نگرش
عبادی داشتن به آن را پذیرفته و تأیید کرده

اصولاً از نظر اسلام یکی از دو راه شناخت خداوند، به طبیعت ختم می شود که از آن
به آیات آفاقی در برابر آیات انفسی یاد می شد. در نگاه قرآن، همه هستی و ماسوی
الله، آیات و نشانه های خداوند یکتا و یگانه ای است که آفریدگار، پروردگار و معبود
همگان است. بنابراین هرچیزی در درون آدمی از بینایی و شنوایی گرفته تا جریان گردش
خون و نظام پیچیده عصبی و تولیدمثل تا روح و روان آدمی، علامت و نشانه های
ظاهر و روشنی است که انسان از راه آن می تواند به شناخت خداوند و خود دست
یابد

نوروز در تاریخ اسلام

در زمان خلافت عمر بن خطاب، هرمزان استاندار خوزستان که مسلمان شده بود،
از شیرینی و دیگر اقلام خوان نوروزی، خوانچه ای جهت امام علی بن ابی طالب علیه
السلام فرستاد. حضرت پرسید علت فرستادن این خوانچه کدام است، گفتند موجب
فرا رسیدن عید نوروز می باشد. حضرت به مزاح فرمودند: کل یوم نیروزنا یعنی هر
روز را برایمان نوروز سازید. علت مهم دیگر روز جانشینی علی ع در عید غدیر خم،
در سال دهم هجری برابر با بیست و نهم حوت (اسفند) است. بدین روی اهتمام
عظیم ایرانیان به نوروز می تواند یک انگیزه بزرگ مذهبی نیز داشته باشد.

نوروز در فرهنگ اسلامی

در زمینه جایگاه عید نوروز در فرهنگ اسلامی و بیان اهل بیت عصمت و طهارت باید
گفت اسلام و پیامبر گرامی آن در تایید و یارد سنن و آداب و رسوم ملی و مذهبی اقوام
و جوامع دیگر، دو شرط اساسی و یک شرط توجیهی را همواره در نظر داشتند:

اولا: سنتهای پذیرفته شده، مبتنی بر خرافات و آئین های شرک و بت پرستی و ارزشها و قداست های غیر الهی نباشد.

ثانیا: از سنتهایی نباشد که موجب وابستگی سیاسی اجتماعی و ... به بیگانه شود، و یا بنحوی استقلال مسلمین را در ابعاد مختلفش زیر سؤال ببرد تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه تا حدود زیادی به این نکته مربوط می شود

و در آخر: جهت گیری سنتهای معقول و غیر مضر به استقلال نیز، همچون مجموعه بینش توحیدی اسلام، باید معنوی و در جهت متبلور ساختن عبودیت انسان در برابر حق تعالی باشد

دلایل ارجمندی و احترام نوروز عبارت است از:

نوروز اگر چه در فرهنگ باستانی ایرانیان ریشه داشت در رویارویی با فرهنگ خردورز اسلام رنگ ستایش و مهر تأیید گرفت. وارد شدن روایات متعدد از جمله دعای تحویل و مستحب شمردن غسل و روزه و نمازی خاص در بزرگداشت نوروز . سیره عملی رفتار عالمان بزرگ در تعطیلی نوروز و نشستن در منازل و دیدار با مردم و تبریک و تهنیت گفتن به آنان . آثار و برکات همراه نوروز همچون نظافت و غبارزدایی دیدار بستگان و دوستان و ... اساسا نوروز جشنی فرهنگی است و با زندگی مردم پیوند دارد و چیزی در آن وجود ندارد که اقوام و مذاهب مختلف با آن مخالفت کنند . بدین جهت نوروز با پیدایی اسلام (به ویژه در مذهب شیعه) مهر تأیید خورد

پاره ای از آداب نوروز

۱. پوشیدن لباس تمیز؛ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هنگامی که نوروز آمد، غسل کن و پاکیزه ترین لباس های خود را بپوش و با خوش بوترین عطرها خود را معطر ساز

و خواندن نیایش تحویل سال؛ یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا
محوّل الحول و الاحوال حوّل حالنا الی احسن الحال

۲. گشایش در زندگی خانواده

۳. روزه گرفتن و برپایی نماز؛ امام ششم (علیه السلام) فرمودند: چه خوب است که در
این روز روزه دار باشیم. دستور چهار رکعت نماز، سجده شکر و دعای مخصوص
این روز هم مورد سفارش قرار گرفته

۴. درس عبرت گرفتن؛ ۵. دوری از اسراف ۶. دید و بازدید؛ ۷. بررسی اعمال
گذشته ۸. کینه ها را از دل برکنیم ۹. رفتن به اماکن مطهره ۱۰. رسیدگی به فقرا

نماز عید نوروز

پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله های آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بگزار.
یعنی دو رکعت به یک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ۱۰ مرتبه سوره انا انزلناه
بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد ۱۰ مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت سوم
بعد از حمد ۱۰ مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد ۱۰ مرتبه
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد از نماز به سجده شکر برو
و این دعا را بخوان اللهم صلّ علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین و علی
جمیع انبیائک و رسلک بأفضل صلواتک و بارک علیهم بأفضل برکاتک و صلّ علی
أزواجهم و أجسادهم اللهم بارک علی محمد و آل محمد و بارک لنا فی یومنا هذا
الذی فضلته و کرمته و شرفته و عظمت خطره اللهم بارک لی فیما أنعمت به علی
حتی لا أشکر أحدا غیرک و وسّع علی فی رزقی یا ذا الجلال و الإکرام اللهم ما غاب
عنی فلا یغیب عنی عونک و حفظک و ما فقدت من شیء فلا تُفقدنی عونک علیه
حتی لا أتکلف ما لا أحتاج إلیه یا ذا الجلال و الإکرام (مفاتیح الجنان)

نوروز در سیره امام خمینی (ره)

با ورود اسلام، ایرانیان تلاش نمودند، سنت های کهن خود را در قالب فرهنگ اسلامی بازیابی کرده و به عبارت روشن تر سنت های ایرانی را با سنت های اسلامی در آمیزند. در نتیجه، از میان انبوه جشن های ایرانی قبل از اسلام، آنچه میان ایرانیان مسلمان باقی ماند. ایرانیان توانستند، این مناسبت ملی را بگونه زیبایی با روح اندیشه اسلامی هماهنگ سازند و لذا بزرگان دینی ملت ایران نیز، هر چند به نظر آنها و به تعبیر امام راحل (ره) این عید، هر چند یک عید اسلامی نیست ولی اسلام آن را نفی نکرده است. با این حال، همواره به مناسبات خاص این ایام احترام می گذاردند

معمولا هر روز، ساعت ۸ صبح، در اتاق کارشان حضور داشتند، ولی روز ۲۹ اسفند ۶۱ فرمودند: من فردا صبح، ساعت ۹ الی ۹ و ربع می آیم. ما روز نوروز یعنی فردای آن روز امام هنوز نیامده بودند، ولی طبق قرار روز قبل، هنوز ساعت ۹ و ربع نشده بود که تشریف آوردند؛ با نشاط تر از روزهای گذشته و متبسم و با قبای نو وارد شدند و به افراد حاضر که در مجموع با دکترها پنج نفر بودیم، چند بار مبارک باشد گفتند

سپس خودشان سراغ سکه های یک ریالی را گرفتند و کف دست قرار دادند. افراد حاضر نیز بعد از دستبوسی هر کدام چند عدد برداشتند. مشابه این برنامه در نوروز سالهای دیگر نیز تکرار می شد

بدینگونه، هر چند امام راحل (ره) تاکید داشتند که نوروز را نمی توان جزء اعیاد تصریح شده اسلامی دانست، ولی به علت اینکه دارای ارزش های بسیاری است که با روح فرهنگ اسلامی هماهنگی کامل دارد، اهتمام خاصی به رعایت آداب و رسوم آن داشتند. محمد حسن رحیمیان، در سایه آفتاب (یادها و یادداشتهای از

زندگی امام خمینی)

مراحل چهارشنبه سوزی های قرآنی عبارتند از:

اشتباهات خود را بسوزانید: هر فردی در زندگی خواه ناخواه اشتباهاتی را مرتکب شده و این اشتباهات همانند چوب‌های تنومندی در زندگی انبار شده و موجب بسیاری از مشکلات برای خود و اطرافیان می‌شود برای سوزاندن این اشتباهات و برگزاری یک مراسم چهارشنبه سوزی اشتباهات خود را جبران و از انجام مجدد آن توبه کنید یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ [تحریم ۸]

الا مؤمنان چون به یکتا اله	بخواهید توبه کنید از گناه
نمایید توبه، به اخلاص تام	خلوصی براننده آن مقام
بود آنکه، مخفی بدارد خدا	گناهی که کردید روی خطا
درآرد خداتان میان جنان	که جویست زیر درختان آن

کینه‌ها و نفرت‌ها را بسوزانید:

هزارچند گاهی یک مراسم چهارشنبه سوزی بگیریم و همه کینه‌ها و نفرت‌ها را کاملاً بسوزانیم با این کار زندگی به کام همه بسیار شیرین می‌شود و همیشه دعا کنیم که
وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ [حشر ۱۰]

کسانی که از بعد این دو گروه	بجستند این مذهب باشکوه
دمادم بگویند اندر دعا	که پروردگارا یگانه خدا
تو ما را و اخوان ما را دگر	که گشتند مؤمن ز ما پیشتر
ببخش و بیامرز یکسر گناه	مده کینه در قلب ما هیچ راه
تو ای کردگار ای خدای جهان	رئوفی، لطیفی و بس مهربان

گناهان و زشتی ها را بسوزانیم

خداوند متعال یکی از بهترین اعمال برای سوزاندن گناهان و بدی ها و زشتی ها از وجود انسان ها را کمک به مستمندان و فقیران می داند و در یکی از آیات الهی اینگونه می فرماید

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (بقره ۲۷۱)

چه نیکوست گر آشکارا ز مال	نمایید انفاق بر تیره حال
ولی بهتر آنست کاندز خفا	نمایید بر مستحقان عطا
به پاداش این کار رب جهان	گناهانتان را نماید نمان
خدای است آگه ز هرگونه کار	نمان باشد آن کار یا آشکار

بدی ها را به وسیله خوبی ها بسوزانید:

اگر در زندگی افرادی به شما بدی کرده اند، این بدی ها را با خوبی کردن متقابل به آنها از بین ببرید. تا در سایه سار این لطف و بزرگواری شما افراد نیز از بدی های خود شان نسبت به شما پشیمان شوند.

وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ [فصلت ۳۴]

بدان در جهان هیچ گه نیک و بد	نخواهد همانند و یکسان شود
اگر خلق با تو بدی کرد و زشت	تو با او نکویی کن ای خوش سرشت
که تا آنکه هر دم ترا دشمن است	بیازد به سوی تو از مهر دست

نوروز در کلام بزرگان

در کلام معصومین شیعه روایاتی درباره نوروز وجود دارد از این رو علما و مراجع معظم شیعه ایرانی هرگز مخالف سنت دیرینه نوروز نبوده اند بلکه آن را از رسوم نیک و پسندیده می دانند.

۱- امام خمینی: "این عید، هر چند یک عید اسلامی نیست ولی اسلام آن را نفی نکرده است." ایام نوروز بروید در این مریضخانه ها، بروید احوال این ها را، این هایی که آواره شده اند... به اینها سرکشی کنید، و آن تشریفات سابق را تخفیف بدهید. عید نوروز چیز خوبی است؛ وسیله ای که با آن دلها شاد می شود، انسانها با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند، صله رحم و صله احباب می کنند؛ چون دوستان و رفقا هم مثل ارحام، احتیاج به صله دارند. انسان باید با ارحام صله بکند، باید با دوستان و رفقا هم صله بکند؛ یعنی ارتباط برقرار بکند. این، ارتباط عید نوروز است که بسیار خوب است. حضرت امام خمینی(ره) خود ضمن مبارک شمردن عید نوروز بر فقیر و غنی و دعوت به پوشیدن جامه نو در این ایام، و رفتن به کوه و صحرا و باغ و بوستان، در وصف بهار سروده است:

بهار شد در میخانه باز باید کرد به سوی قبله عاشق نماز باید کرد

ایشان همچنین در دیوان خویش، عید نوروز را چنین وصف کرده اند:

باد نوروز وزیده است به کوه و صحرا جامه عید بپوشند، چه شاه و چه گدا

بلبل باغ جنان را نبود راه به دوست نازم آن مطرب مجلس که بود قبله نما

همه در عید به صحرا و گلستان بروند من سرمست زمیخانه کنم رو به خدا

عید نوروز مبارک به غنی و درویش یار دلدار! زبتخانه دری رابگشا

بنابراین، آنچه از سیره امام راحل(ره) در این ایام که در ادامه به گوشه ای از آن اشاره می گردد، فهمیده می شود این است که، ارزش های زیبای نهفته در آداب و رسوم این عید ملی ایرانیان، بزرگانی چون امام (ره) را نیز به خود جلب نموده است.

این عید سعید، عید اسعد باشد ملت به پناه لطف احمد باشد

بر پرچم جمهوری اسلامی ما تمثال مبارک محمد(ص) باشد.

امام خمینی (ره) معمولاً هر روز، ساعت ۸ صبح، در اتاق کارشان حضور داشتند، ولی روز ۲۹ اسفند ۶۱ فرمودند: من فردا صبح، ساعت ۹ الی ۹ و ربع می آیم. به هر حال، ما روز نوروز - یعنی فردای آن روز - ساعت ۹ و چند دقیقه به اتاق حضرت امام وارد شدیم. امام هنوز نیامده بودند، ولی طبق قرار روز قبل، هنوز ساعت ۹ و ربع نشده بود که تشریف آوردند؛ با نشاط تر از روزهای گذشته و متبسم و با قبای نو. وارد شدند و به افراد حاضر که در مجموع با دکترها پنج نفر بودیم، چند بار مبارک باشد گفتند. سپس خودشان سراغ سکه های یک ریالی را گرفتند و کف دست قرار دادند. افراد حاضر نیز بعد از دستبوسی هر کدام چند عدد برداشتند. مشابه این برنامه در نوروز سالهای دیگر نیز تکرار می شد.

بدینگونه، هر چند امام راحل (ره) تاکید داشتند که نوروز را نمی توان جزء اعیاد تصریح شده اسلامی دانست، ولی به علت اینکه دارای ارزش های بسیاری است که با روح فرهنگ اسلامی هماهنگی کامل دارد، اهتمام خاصی به رعایت آداب و رسوم آن داشتند.

۲- مرحوم کاشف الغطاء نوروز مقتضای جهان است در بشر و حیوان و جماد، بلکه در آسمان و زمین و هوا و فضا و بر این اساس روایاتی از اهل بیت(علیهم السلام) درباره نوروز به ما رسیده که عید گرفتن را تأیید کرده اند و نیز به نماز، ذکر و عبادت سفارش نموده اند و ...

۳- آیت الله صافی گلپایگانی: نظر شرع مقدس درباره نوروز چیست و آیا می‌توان آن را به عنوان عید تلقی کرد؟

پاسخ: اعیاد شرعی و مذهبی بزرگ اسلامی، عید فطر، عید قربان، عید غدیر و روزهای ولادت حضرت رسول اکرم و ائمه معصومین است. در عید نوروز هم اگر مؤمنان برنامه‌های دینی، مانند دیدار با برادران مؤمن یا عیادت بیماران و رسیدگی به حال مستمندان داشته و برنامه‌های بدآموز نداشته باشند، مناسب است. هر روزی که در آن معصیت خدا نشود، آن روز عید است. این مرجع تقلید یادآور شد: در حدیث است **كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ** هر روزی که در آن معصیت خدا نشود، آن روز عید است. نوروز، یعنی روز نو. روز اولین فصل بهار مثل خود فصل بهار یک امر واقعی و تکوینی است و به جمشید ارتباط ندارد، خدا می‌داند چند هزار یا چند میلیون سال پیش از جمشید بوده است.

آیت الله صافی بیان داشت: از آیات خدا است که زمین دوباره بعد از موتش و خشک شدن گیاه‌ها زنده می‌شود و چنان که در قرآن مجید می‌فرماید **اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا** و محتمل است غسل یا هر عبادت دیگری به همین مناسبت باشد.

علامه مجلسی: آسمان هفت طبقه و زمین هفت طبقه است و هفت ملک یا فرشته موکل بر آنند و اگر موقع تحویل سال، هفت آیه از قرآن مجید را که با حرف سین شروع می‌شود بخوانند آنان را از آفات زمینی و آسمانی محفوظ می‌دارند.

هفت آیه از قرآن کریم که با «س» شروع می‌شود به این شرح تصویر است. خداوند به انبیا سلام می‌کند. البته درباره‌ی پیامبر هم خدا و هم فرشتگان صلوات می‌فرستند و هم به مؤمنان دستور صلوات و سلام می‌دهد: **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ**

۴- آیت الله مکارم شیرازی: عید نوروز مراسم و جنبه های مثبتی دارد مانند پاک سازی منازل و صله رحم و دید و باز دید و امثال اینها که از نظر شرع مقدس اسلام خوب است ولی از مراسم خرافی مانند شب چهارشنبه سوری و سیزده بدر سزاوار است اجتناب شود. رسم است که در عید نوروز و مانند آن پول لای قرآن می گذارند و عیدی می دهند. آیا این کار اشکال دارد؟ جواب: اشکالی ندارد.

سوال: اعمالی که در مفاتیح تحت عنوان عید نوروز آمده مربوط به کدام تقویم است؟ آیا هر سال نو را در هر فرهنگ شامل می شود (مثلاً عید نوروز ایرانیان) یا برای تقویم قمری است؟ جواب: خیر، مربوط به عید نوروز (سال شمسی) است.

سوال: ما امسال سبزه عید نوروز را به شکل اسم های پنج تن مثلاً «یا حسین» درآوردیم و چون آن ها را روز سیزده بدر همان جا می گذاریم، آیا مشکلی ندارد؟ اگر مشکل دارد با سبزه ها چه کار کنیم؟ جواب: در صورتی که بی احترامی و هتک حرمت شود، جایز نیست و بهتر است در محلی قرار دهید که بی احترامی نشود.

سوال: من طلبه هستم و با چند نفر دیگر از طلاب در مورد عید نوروز تحقیقاتی انجام داده ایم و طبق گفته علمای رجال و درایه، حدیثی که شیخ طوسی (رحمة الله) در مورد عید نوروز ذکر کرده اند معتبر نمی باشد زیرا اولاً خبر واحد است و به حد تواتر نرسیده، ثانیاً منبع آن کتابی قوی نیست چون در کتاب دعاییه ایشان ذکر شده نه در کتاب فقهیه ایشان. در ضمن اصل کلمه ی عید یعنی بازگشت. این بازگشت در حالیست که ریشه ی این عید به آیین زردشتیان باز می گردد.

حال سوال این است که نظر فقهی و نظر محققانه ی شما در این مورد چیست؟ جواب: ما برای عید نوروز جنبه ی شرعی قائل نیستیم بلکه یک قرارداد عرفی است که آثار مطلوبی دارد و از آثار نامطلوب آن نیز باید پرهیز گردد.

سوال : آیا گفتن لفظ «عید» برای سال نو و عید نوروز اشکال دارد؟ جواب : اشکالی ندارد

سوال : آیا نحس بودن عدد ۱۳ مورد قبول فرهنگ شیعه است؟ جایگاه نوروز و شادی در فرهنگ شیعه چگونه است؟ جواب: سیزده بدر ریشه شرعی ندارد و از خرافات است ولی تفریح سالم و خالی از گناه بدون اعتقاد به نحس بودن سیزده، اشکالی ندارد.

سوال : من شنیده بودم که شما گفته بودید نوروز بی اساس و سطحی است و مسلمانان را از آن بر حذر داشته اید. من می خواستم بدانم که آیا این جمله را شما گفته اید یا نه و این که نظر شما درباره ی نوروز چیست؟ جواب : عید نوروز جنبه های مثبت و منفی متعددی دارد. جنبه های مثبت آن نظافت، صله رحم، کمک به اقشار ضعیف و کم درآمد و مانند آن است و جنبه های منفی آن، مراسم خرافی چهارشنبه سوری، سیزده بدر، تشریفات کمرشکن، چشم و هم چشمی، مسافرت های گناه آلود، شکستن مرز محرمیت ها و امثال آن می باشد.

حال اگر به جنبه های مثبت آن پرداخته شود و از جنبه های منفی آن اجتناب شود طبق روایت مزبور عید نوروز طبیعی، عید تشریحی هم می شود و اگر خدای نکرده بر عکس شود از منظر حضرت علی (علیه السلام) چنین روزی عید نخواهد بود.

سوال : آیا برپایی «سفره ی هفت سین» به عنوان یک مراسم سنتی در کنار بقاع متبرکه جایز است؟ جواب : مانعی ندارد

منابع : سایت نوروز، معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی ریاست جمهوری
امام خمینی (ره) دیوان شعر ، تهران، دفتر نشر آثار حضرت امام(ره)،

محمد حسن رحیمیان ، همان، ص ۱۰

نوروز، روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز در انتظار از میان رفتن سختیهاییم؛ زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست (بحارالانوار ج ۵۹ ص ۹۲) نوروز روزی است که خداوند آن روز از بندگانش پیمان گرفت که او را بپرستند و شرک نوزند و به پیامبران و اولیا آنها ایمان بیاورند و آن نخستین روزی است که زمین خلق شد و حیات به وجود آمد

همچنین روزی است که کشتی حضرت نوح(علیه السلام) بر سرزمینی به نام جُود می‌نشاند. و حضرت ابراهیم(علیه السلام) بت‌ها را شکست

جبرائیل بر پیامبر خدا نازل شد . پیامبر(صلی الله علیه و آله) به اصحابش در حَجَّه‌الوداع دستور داد که با علی(علیه السلام) بیعت کرده ولایت او را قبول کنند. امیرالمومنین(علیه السلام) و ولّاه ظاهر می‌شوند و در این روز بر دَجال پیروز می‌شوند و او را در کناسه کوفه به دار می‌زنند (بحارالانوار: ج ۵۶، ص ۹۱)

نوروز از منظر امام صادق علیه السلام :

اذا كان يوم النيروز فاغتسل و البس انظف ثيابك ، و تطيب باطيب طيبك ، و تكون ذلك اليوم صائما. چون نوروز فرا رسد، بدن خود را بشوی و پاکیزه ترین جامه هایت را بپوش و با خوشبوترین عطرها خودت را معطر کن و در آن روز روزه دار باش.(۱) علما و مراجع معظم شیعه هرگز مخالف نوروز نبوده اند. نوروز دارای آداب و رسوم نیک و پسندیده متعددی است اما برخی از مردم به ویژه جوانان این سنت کهن و دیرینه را با برخی کارهای خرافی و خلاف عقل و فطرت پاک بشری مثل چهارشنبه سوری آلوده می‌سازند.

نوروز همان روزی است که خداوند از بندگان خود میثاق گرفت که بنده خدا باشند، برای او شریک قایل نشوند و غیر از خداوند کسی را عبادت نکنند ؛ یعنی روز آزادی است .

نوروز همان روزی است که برای اولین مرتبه خورشید طلوع نمود ؛ یعنی روز
روشنایی و درخشش است .

نوروز روزی است که کشتی نوح بر " جودی " نشست ؛ یعنی روز نجات از عذاب
الهی است .

نوروز روزی است که حضرت ابراهیم علیه السلام بت ها را شکست ؛ یعنی روز مبارزه با
شرک و بت پرستی است .

نوروز همان روزی است که جبرئیل امین بر پیامبر صلی الله علیه و آله هبوط نمود؛
یعنی روز دریافت پیام الهی است .

نوروز همان روزی است که رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را بر دوش
گرفت و بت های قریش را از بالای کعبه به زمین ریخت ؛ یعنی روز پیراستن خانه
های پاک از آلودگی هاست .

نوروز روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را در محل غدیر خم
به مردم به عنوان امیرمؤمنین معرفی کرد ؛ یعنی روز پیمان با ولایت است .

نوروز همان روزی است که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ، حضرت مهدی علیه السلام ،
ظهور پیدا می کند و بر دشمنان عدالت پیروز می گردد و حکومت عدل اسلامی
تشکیل می دهد .

قال الصادق: ما من يوم نيروز الا ونحن نتوقع فيه الفرج لانه من ايامنا و ايام شيعتنا ،
حفظته العجم و ضيعتموه انتم نوروز که می آید ما منتظر فرج آل محمد هستیم ، زیرا
نوروز از روزهای ما و روزهای شیعیان ما است . شما آن را از دست دادید و پارسیان
آن را نگه داشتند .

منبع: بحارالانوار جلد ۵۹